

به نام خدا

## شاخص‌های خانواده موفق در سیره‌ی گفتاری و رفتاری امام رضا علیه‌السلام

احد داوری<sup>۱</sup>

سارا محتشم بکتاش<sup>۲</sup>

### چکیده

دین اسلام به عنوان دین جامع و کامل برای نهاد خانواده به عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در تعالی شخصیت انسان عنایت و توجه خاصی دارد. خانواده موفق خانواده‌ای است که در همه جوانب به‌طور متعادل و هماهنگ رشد کرده و از افراط و تفریط به دور باشد. اهمیت خانواده‌ی موفق زمانی مشخص می‌شود که خانواده کانون مودت، رحمت، محبت و بستر تحویل نسل صالح به جامعه باشد و بزرگان علم، دین و تکبیرگویان خدای متعال در روی زمین فزونی یابد. سیره خانوادگی امام رضا علیه‌السلام نمونه کامل یک خانواده موفق و مطلوب اسلامی است، در این خانواده رابطه عاطفی بسیار عمیق بوده به‌گونه‌ای که آن حضرت در برخورد با اعضای خانواده بخصوص فرزندان اصل محبت، احترام، آزادی را رعایت و در ضمن نظارت بر آنان، با عطف و رفتار می‌کردند. در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی شاخص‌های خانواده‌ی موفق در گفتار و رفتار امام رضا علیه‌السلام بیان شده است که مهم‌ترین این شاخص‌ها را می‌توان در دو حوزه رفتاری (نحوه‌ی برخورد با همسر و نحوه‌ی برخورد با فرزندان) و نیز ویژگی‌های فردی امام رضا علیه‌السلام تبیین کرد.

**واژگان کلیدی:** خانواده، خانواده موفق، روابط اعضای خانواده، امام رضا علیه‌السلام

---

۱. عضو هیات علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم - مراغه ahaddavari@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی دانشکده علوم قرآنی مراغه blithe۱۳۷۵@gmail.com

دین اسلام به عنوان دین جامع و کامل همه‌ی زوایای زندگی بشر را مورد توجه ویژه قرار داده است. از جمله مواردی که در شریعت اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است خانواده می‌باشد. دستورات مکرر اسلام مبنی بر پیروی از فرمایشات قرآن کریم (قرآن صامت) و سرلوحه قرار دادن سیره ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام (قرآن ناطق) به‌ویژه سیره‌ی امام رضا (ع) برای دستیابی به خانواده‌ی موفق و مطلوب است که اعضای آن در نهایت آرامش و آسایش در کنار هم زندگی می‌کنند و فضای خانه و خانواده سرشار از پاکی و معنویت است و مهر، محبت، آرامش و اطمینان در چنین خانواده‌هایی نمودار است.

خانواده یک بنای اجتماعی کوچک است که سنگ بنای تشکیل جامعه‌ی بزرگ‌تر است و متشکل از اجتماع زن و مردی است که در سایه‌ی ازدواج گرد هم می‌آیند و با به دنیا آمدن فرزندان تکمیل می‌شوند. بشر برای رسیدن به کمال، سعادت و هدفمندی خلقت که خداوند در فطرت او به ودیعه نهاده نیازمند تشکیل خانواده است هدف از تشکیل خانواده بیرون آمدن از حالت تجرد و تنهایی و به هم پیوستن و یکی شدن است. می‌توان گفت در اکثر جوامع امروزی به دلیل پیشرفت فناوری، رسانه‌های جمعی و گسترش وسایل ارتباطی همچون گوشی‌های موبایل، ماهواره و اینترنت و... بیشتر افراد خانواده سرگرم سپری کردن اوقات خود با وسایل ارتباطی بوده و کم‌تر وقت خود را صرف خانواده می‌کنند. در نتیجه به‌مرور زمان عواطف و صمیمیت و آرامش روانی خانواده‌ها رو به سردی می‌گراید و کانون خانواده‌ها از آن آرامشی که قرآن کریم وعده داده بی‌بهره می‌گردد. در این پژوهش سعی شده ویژگی‌های خانواده موفق از دیدگاه امام رضا علیه‌السلام بررسی شده و به عنوان خانواده الگو و نمونه به خانواده‌ها معرفی گردد.

در این زمینه آثار ارزشمندی همچون (تحکیم خانواده، محمد محمدی ری‌شهری)، (خانواده در قرآن، احمد بهشتی)، (خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، محمدرضا سالاری فر) به رشته‌ی تحریر در آمده است. پژوهش حاضر به‌صورت تحلیلی-توصیفی و به روش کتابخانه‌ای فراهم‌شده است.

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤالات است: خانواده موفق چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ نحوه‌ی برخورد امام رضا علیه‌السلام با امام جواد علیه‌السلام چگونه است؟ نحوه‌ی برخورد امام رضا علیه‌السلام با همسرش چگونه بوده است؟

## ۱-۱ خانواده

خانواده در لغت به معنای اهل خانه، دودمان، زن و مرد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۹۴۳۸) خاندان (طیبیان، ۱۳۹۰، ص ۹۸) و در اصطلاح عبارت است از یک واحد اجتماعی که از ازدواج یک زن و یک مرد به وجود می‌آید و فرزندان حاصل از آن ازدواج، آن را تکمیل می‌کنند. (طاهری، ۱۳۸۸، ص ۱۴) خانواده گروه کوچکی است که حدّ فاصل بین فرد و جامعه قرار گرفته است. (سالاری فر، ۱۳۹۲، ص ۱۲)

## ۱-۲ سیره

«سیره» و «سیرت» از کلمه‌ی «سیر» به معنای حرکت، رفتن و راه رفتن اشتقاق یافته است. (زارعی سبزواری، ۱۳۸۸، ص ۱۳) و در اصطلاح به همان سبک‌ها و روش‌های خاص و شیوه‌های زندگی پیغمبر صلی‌الله علیه و آله و سلم و ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام گفته می‌شود، یعنی همان اصول و روش‌های اخلاقی و عملی ثابتی که در برخورد با دشمنان، دوستان، اعضای خانواده و... در تمام شئون زندگی داشتند و به عنوان اصل و قانون در زندگی‌شان حکم‌فرما بود. (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۴۲۱) عبارت است از سبک رفتار، کیفیت سلوک میان مردم و الگو و روش کرداری اشخاص در زندگی. (زارعی سبزواری، ۱۳۸۸، ص ۱۳)

## ۲-ویژگی‌های فردی امام رضا علیه‌السلام

### ۱-۲ شخصیت معنوی امام رضا علیه‌السلام

یکی از بزرگ‌ترین امتیاز مردان الهی و اسرار بقای آنان در طول تاریخ جهان این بوده که آن بزرگواران محور اصلی زندگی خود را خدای تعالی و عشق به خدا تشکیل می‌داده و هر چه را می‌خواستند برای خدا می‌خواستند، به‌گونه‌ای که تمام ابعاد وجودی زندگی آن‌ها را خدا فراگرفته بود. به همین خاطر است که آن‌ها رنگ خدائی به خود گرفته و «وجه الله» و «وجیه عندالله» شده بودند. امام رضا علیه‌السلام نیز مانند سایر ائمه معصومین علیهم‌السلام در پیشگاه خدا خاضع و از عبادت پروردگار متعال لذت می‌برد در روایات از عبادت آن بزرگوار بسیار یاد شده است:

### ۱-۲-۱ روزه

روزه به دلیل پنهانی بودن و ریا بردار نبودن نسبت به سایر اعمال عبادی از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. امام رضا علیه‌السلام افزون بر روزه واجب، به روزه مستحبی نیز اهمیت می‌داد و هرگز از ایشان روزه‌ی

مستحبی فوت نمی‌شد. ابراهیم بن عباس در ضمن شرح حالات امام رضا علیه‌السلام می‌گوید: «... و کانَ علیه‌السلام قَلِيلَ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ كَثِيرَ السَّهْرِ، يُحْيِي أَكْثَرَ لَيَالِيهِ مِنْ أَوَّلِهَا إِلَى الصُّبْحِ، وَ كَانَ كَثِيرَ الصِّيَامِ، فَلَا يَفُوتُهُ صِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الشَّهْرِ وَ يَقُولُ: ذَلِكَ صَوْمُ الدَّهْرِ...» آن امام بزرگوار علیه‌السلام بسیار کم‌خواب بود بسیار بیداری می‌کشید، بیشتر شب را از اول تا هنگام دمیدن صبح با بیداری به سر می‌برد و بسیار روزه می‌گرفت، و سه روز، روزه‌ی همراه از او فوت نمی‌شد و می‌فرمود: این روزه معادل روزه گرفتن همه سال است. (شیخ صدوق، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۲۰۲؛ عطاردی، ۱۳۹۷، ص ۳۸)

## ۲-۱-۲ قرآن و تدبر در آن

امام رضا علیه‌السلام مانند دیگر ائمه، با گفتار و روش عملی خود، عظمت قرآن را به پیروان قرآن گوشزد کرده است. ابراهیم بن عباس گوید: عن إبراهيم بن العباس قال: «...كَانَ يَخْتِمُهُ فِي كُلِّ ثَلَاثَةٍ، وَ يَقُولُ: لَوْ أَرَدْتُ أَنْ أُخْتِمَهُ فِي أَقْرَبَ مِنْ ثَلَاثَةٍ تَخْتَمْتُ وَ لَكِنِّي مَا مَرَرْتُ بِأَيَّةٍ قَطُّ إِلَّا فَكَّرْتُ فِيهَا وَ فِي أَيِّ شَيْءٍ أَنْزَلْتُ وَ فِي أَيِّ وَقْتٍ فَلِذَلِكَ صِرْتُ أُخْتِمُ فِي كُلِّ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.» امام رضا علیه‌السلام در هر سه شبانه‌روز قرآن را ختم می‌کرد و می‌فرمود: اگر بخواهم به کمتر از این زمان هم ختم کنم، می‌توانم، لکن به هر آیه‌ای که می‌گذرم در آن می‌اندیشم که مراد چیست و در چه موردی نازل شده و زمان نزولش چه وقتی بوده و از این جهت است که سه شبانه‌روز طول می‌کشد. (طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۳؛ شیخ صدوق، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۹۶)

## ۲-۱-۳ اهتمام به نماز اول وقت

به سبب اهمیت نماز، پیشوایان ما در طول حیات معنوی خود، به آن توجهی خاص داشته‌اند. امام رضا علیه‌السلام نماز اول وقت را بسیار مهم می‌شمرد و روزهایی نیز که روزه داشتند، هنگام افطار، نخست نماز می‌خواندند. «... كَانَ إِذَا أَقَامَ فِي بَلَدَةٍ عَشْرَةَ أَيَّامٍ صَائِمًا لَا يُفْطِرُ فَإِذَا جَنَّ اللَّيْلُ بَدَأَ بِالصَّلَاةِ قَبْلَ الْإِفْطَارِ وَ كَانَ فِي الطَّرِيقِ يُصَلِّي فَرَائِضَهُ رَكَعَتَيْنِ رَكَعَتَيْنِ» (شیخ صدوق، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۷۸؛ مجلسی، ۱۳۸۰، ج ۴۹، ص ۹۰)؛ و نیز در حدیثی که صولی از مادر بزرگش (عذر) نقل می‌کند گوید: «...وَ كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا صَلَّى الْغَدَاةَ وَ كَانَ يُصَلِّيَهَا فِي أَوَّلِ وَقْتٍ ثُمَّ يَسْجُدُ فَلَا يَرْفَعُ رَأْسَهُ إِلَى أَنْ تَرْتَفِعَ الشَّمْسُ...» امام رضا علیه‌السلام نماز صبح را اول وقت انجام می‌داد و بعد به سجده می‌رفت و سر بر نمی‌داشت. (شیخ صدوق، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۹۵)

همچنین ایشان به نقل از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمود: «وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ ذَعْرًا مِنَ الْمُؤْمِنِ مَا حَافِظًا عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ - فَإِذَا ضَيَّعَهُنَّ تَجَرَّأَ عَلَيْهِ وَ أَوْقَعَهُ فِي الْعِظَائِمِ» شیطان همواره از مؤمن در حال ترس و وحشت است تا آن‌گاه که نمازهای پنج‌گانه خویش را در

اول وقت به جای آورد و اگر نماز را ضایع ساخته، آن را در اول وقت نخواند، شیطان جرئت یافته و او را به گناهانی بزرگ وامی‌دارد. (امام رضا علیه‌السلام، ۱۴۰۶، ص ۳۷)

## ۲-۲-۲ شخصیت اخلاقی امام رضا علیه‌السلام

### ۲-۲-۱ اخلاق امام

اخلاق اجتماعی، یکی از عناصر مهم شخصیت انسان و کاشف ایمان و روحیات انسان است. حضرت رضا علیه‌السلام در زندگی فردی و اجتماعی خلق و خوی والای پیامبر صلی‌الله علیه و آله را حکایت می‌کرد و در رفتار ایشان اخلاق پیامبر صلی‌الله علیه و آله جلوه‌گر می‌شد. چرا که او برخاسته از ریشه‌های نبوی صلی‌الله علیه و آله وسلم است. شیخ صدوق به نقل از ابراهیم بن عباس که از دیرزمان محضر امام را درک کرده و از آن بزرگوار بهره‌ها برده بود، درباره روش اخلاقی و معاشرت امام علیه‌السلام می‌گوید: «عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ مَا رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ جَفَا أَحَدًا بِكَلِمَةٍ قَطُّ وَ لَا رَأَيْتُهُ قَطَعَ عَلَى أَحَدٍ كَلَامَهُ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْهُ وَ مَا رَدَّ أَحَدًا عَنْ حَاجَةٍ يَفْقِدُ عَلَيْهَا وَ لَا مَدَّ رِجْلَهُ بَيْنَ يَدَيِ جَلِيسٍ لَهُ قَطُّ وَ لَا اتَّكَأَ بَيْنَ يَدَيِ جَلِيسٍ لَهُ قَطُّ وَ لَا رَأَيْتُهُ شَتَمَ أَحَدًا مِنْ مَوَالِيهِ وَ مَمَالِيكِهِ قَطُّ وَ لَا رَأَيْتُهُ تَفَلَّ وَ لَا رَأَيْتُهُ يُقَهِّقُهُ فِي ضَحِكِهِ قَطُّ بَلْ كَانَ ضَحِكُهُ التَّبَسُّمُ وَ كَانَ إِذَا خَلَا وَ نَصَبَ مَائِدَتَهُ أَجْلَسَ مَعَهُ عَلَى مَائِدَتِهِ مَمَالِيكَهُ وَ مَوَالِيَهُ حَتَّى الْبَوَابِ السَّائِسِ» هرگز ندیدم حضرت رضا علیه‌السلام با کلامی در گفتارش به کسی جفا و یا درشتی کند. هیچ‌گاه ندیدم سخن کسی را قطع کند، صبر می‌کرد تا طرف، سخنش تمام شود و بعد اگر لازم می‌دید کلامی می‌گفت. هرگز ندیدم کسی از او حاجتی بخواهد و مقذور آن حضرت باشد و ردّ کند. هرگز نزد کسی پای خود را دراز نمی‌کرد. هرگز در برابر همنشین و جلیسی، تکیه نمی‌داد. و هرگز ندیدم بد هیچ کدام از خدمتکاران و کارگزاران خود را بر زبان بیاورد و دشنام دهد. در پیش چشم کسی آب دهان را بیرون نمی‌انداخت. هرگز ندیدم در خندیدن قهقهه کند، بلکه خنده او تبسم بود؛ و چون خلوت می‌شد و سفره‌ی طعام برای او می‌گستراندند، همه‌ی غلامان و خدمتکاران حتی دربان و مهتر را بر سر سفره می‌خواند. (شیخ صدوق، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۲۰۲)

### ۲-۲-۲ زهد و زندگی ساده‌ی امام رضا علیه‌السلام

زهد، عبارت است از یک حال اخلاقی - رفتاری که بر پایه‌ی درک اعتقادی و بینش بلند الهی و ارج گذاری لذتها و مظاهرزندگی با ملاک دقیق ایمان، استوار است. امام علی بن موسی الرضا (ع) نیز مانند پدران بزرگوارش، این صفت اخلاقی - رفتاری را تجسم بخشیده و عملاً در سراسر زندگی خویش به کار بسته است. در حدیثی که «صولی» از مادر بزرگ خود که کنیزی بوده و چندی در خانه‌ی مأمون و سپس در خانه‌ی امام علیه‌السلام

زندگی کرده و پس از آن به خانه‌ی جد «صولی» یعنی عبدالله بن عباس رفته است روایت می‌کند: «... اشتریت مَعَ عِدَّةٍ جَوَارٍ مِنَ الْكُوفَةِ وَ كُنْتُ مِنْ مُوَلِّدَاتِهَا قَالَتْ فَحَمَلْنَا إِلَى الْمَأْمُونِ فَكُنَّا فِي دَارِهِ فِي جَنَّةٍ مِنَ الْأَكْلِ وَ الشَّرْبِ وَ الطَّيِّبِ وَ كَثْرَةِ الدَّنَائِيرِ فَوَهَبَنِي الْمَأْمُونُ لِلرِّضَا ع فَلَمَّا صِرْتُ فِي دَارِهِ فَقَدْتُ جَمِيعَ مَا كُنْتُ فِيهِ مِنَ النَّعِيمِ وَ كَانَتْ عَلَيْنَا قِيَمَةٌ تُنْبِئُنَا مِنَ اللَّيْلِ وَ تَأْخُذُنَا بِالصَّلَاةِ وَ كَانَ ذَلِكَ مِنْ أَشَدِّ شَيْءٍ عَلَيْنَا فَكُنْتُ أَتَمَنَّى الْخُرُوجَ مِنْ دَارِهِ إِلَى أَنْ وَهَبَنِي لِجَدِّكَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ فَلَمَّا صِرْتُ إِلَى مَنْزِلِهِ كُنْتُ كَأَنِّي قَدْ أُدْخِلْتُ الْجَنَّةَ». من با عده ای کنیز در کوفه که محل تولد بود خریداری شدیم، ما را سواره به خانه‌ی مأمون بردند و ما در خانه‌ی همانند بهشت مأمون، از خوردنی و آشامیدنی و بوی خوش و پول فراوان کاملاً بهره مند بودیم و مأمون مرا به حضرت رضا علیه‌السلام بخشید و وقتی به منزل آن بزرگوار رفتیم، همگی آن نعمت‌ها را از دست دادم و زنی را بر ما گماشتند که مربی مابود شب‌ها ما را از خواب بیداری کرد و به نماز و می‌داشت و این کار بسیار بر ما سخت و ناگوار بود؛ و من همه آرزویم این بود که از آنجا بروم تا اینکه مرا به جدّ تو عبدالله بن عباس بخشید. وقتی به منزل او آمدم گویا به بهشت وارد شده‌ام. (شیخ صدوق، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۹۵) این زهد آن حضرت بود که ایشان را بر آن می‌داشت تا در فصل تابستان بر روی حصیر و بوریو در زمستان بر روی نم‌بنشیند و پیراهن زبر و خشن بپوشد مگر اینکه بخواهد پیش مردم بیاید که در آن وقت لباس سنگین و بهتر در برمی‌نمود. «كَانَ جُلُوسُ الرِّضَا (ع) عَلَى حَصِيرٍ بِالصَّيْفِ وَ عَلَى مِسْحٍ فِي الشِّتَاءِ وَ لُبْسُهُ الْعَلِيظَ مِنَ الثِّيَابِ حَتَّى إِذَا بَرَزَ لِلنَّاسِ تَرَى لَهُمْ» (همان)

## ۲-۲-۳ تواضع حضرت رضا علیه‌السلام

امام رضا علیه‌السلام همیشه اصل تواضع را در زندگی خود و بخصوص در رابطه با خدمه و کارگرهای خود در اولویت قرار می‌داد ایشان همیشه با خدمه غذا می‌خورد و دوست داشت که با آنها بنشیند و صحبت و درد دل کند. بعضی از ناآگاهان به این کار حضرت ایراد می‌کردند و حضرت می‌فرمود: «إِنَّ الرَّبَّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَاحِدٌ وَ الْأُمُّ وَاحِدَةٌ وَ الْأَبُّ وَاحِدٌ وَ الْجَزَاءُ بِالْأَعْمَالِ» پروردگار، مادر و پدر یکی است و فضیلت فقط و فقط به کردار است. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۲۳۰) همچنین در ذکر تواضع آن امام بزرگوار می‌توان گفت: «دَخَلَ الرِّضَا ع الْحَمَّامَ فَقَالَ لَهُ بَعْضُ النَّاسِ دَلَّكُنِي فَجَعَلَ يُدَلِّكُهُ فَعَرَّفُوهُ فَجَعَلَ الرَّجُلُ يَسْتَعْذِرُ مِنْهُ وَ هُوَ يُطَيِّبُ قَلْبَهُ وَ يُدَلِّكُهُ...» روزی امام رضا علیه‌السلام وارد حمام عمومی شدند. شخصی در حمام بود که امام علیه‌السلام را نمی‌شناخت. به او گفت: بدن مرا کیسه بکش! امام علیه‌السلام شروع کردند به کیسه زدن بدن وی که مردم او را شناختند. آن مرد از کاری که کرده بود، شرم‌منده گردید و از آن حضرت معذرت خواهی کرد؛ اما امام علیه‌السلام ضمن دل‌داری به او، به کار خود ادامه داد. (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۴۹، ص ۱۰۰)

یاسر خادم امام رضا علیه السلام روایت کرده که گوید: «عَنْ يَاسِرِ الْخَادِمِ قَالَ: أَكَلَ الْعِلْمَانُ يَوْمًا فَاكِهَةً فَلَمْ يَسْتَقْصُوا أَكْلَهَا وَرَمَوْا بِهَا...». غلامان آن حضرت روزی میوه‌ای را خوردند و خوب تمامی آن را نخوردند و باقی مانده اش را به دور انداختند، امام علیه السلام که چنان دید بدانها فرمود: «... فَقَالَ لَهُمْ أَبُو الْحَسَنِ ع سُبْحَانَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ اسْتَعْنَيْتُمْ فَإِنَّ أَنَسًا لَمْ يَسْتَعْنُوا أَطْعَمُوهُ مَنْ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ!» سبحان الله! اگر شما از این میوه بی‌نیاز گشته و نیاز خود را از آن برده‌اید مردمانی هستند که بدان نیازمندند به آن‌ها که نیاز دارند بخورانید! (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۲۹۷؛ مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۴۹، ص ۱۰۲)

### ۳- رفتار امام با همسرش

#### ۳-۱ آراستگی و زیبایی ظاهری

آراستگی و زیبایی امری پسندیده و از اخلاق پیامبران است، چنان که امام رضا علیه السلام فرمود: «مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ التَّنَظُّفُ». از اخلاق پیامبران، نظافت و پاکیزگی است. (مجلسی، ۱۳۳، ج ۷۹، ص ۳۰۳) از این رو آراستگی در تعالیم اسلامی و سیره‌ی پیشوایان، بسیار مورد توجه واقع شده است. امام رضا علیه السلام در این باره فرمود: «اروی ان الله تبارک و تعالی يحب الجمال و التجميل و يبغض البوس و التباوس و ان الله عز و جل يبغض من الرجال القادوره» روایت می‌کنم که خدای تبارک و تعالی زیبایی و آراستگی را دوست دارد و فقر و فقرنمایی را دشمن می‌دارد. خدای عز و جل از مردان ناآراسته بد اخلاق نفرت دارد. (همان) یکی از نکات مهم در زندگی خانوادگی آراستگی و خودآرایی مردان در خانواده است، یعنی همان طور که مردان، از همسران خود توقع دارند که خود را برای آنان بیاریند، آن‌ها نیز باید در حد معمول، به ظاهر خود برسند و برای ایجاد محبت در همسران خود، خود را بیاریند. این دستور دینی و انسانی و عملی ساختن آن را از بزرگواری چون امام رضا علیه السلام بیاموزیم که آراستگی در منزل را، نه برای خود که برای خانواده و برای تربیت درست، امری بایسته می‌دانستند. آن حضرت که به ضرورت آراستگی مردان در منزل آگاهی کامل داشتند، خودشان نیز به این امر مهم پایبند بودند. ابن جهم می‌گوید: «دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّانِي [الْإِمَامِ الرَّضَا] (ع) فَإِذَا هُوَ قَدْ اخْتَضَبَ، فَقُلْتُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ، قَدْ اخْتَضَبْتَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، إِنَّ فِي الْخِضَابِ لَأَجْرًا، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ التَّهَيَّئَةَ تَزِيدُ فِي عِفَّةِ النِّسَاءِ؟ أَيْسُرُكَ أَنَّكَ دَخَلْتَ عَلَى أَهْلِكَ فَرَأَيْتَهَا عَلَى مِثْلِ مَا تَرَكَ عَلَيْهِ إِذْ لَمْ تُكُنْ عَلَى تَهَيَّئَةٍ؟ قَالَ: قُلْتُ: لَأَقَالَ: هُوَ ذَاكَ» نزد امام رضا علیه السلام رفتم، دیدم که ایشان خضاب کرده است. گفتم: فدایت شوم! خضاب کرده‌اید؟ فرمود: «بله. خضاب کردن، پاداش دارد. آیا نمی‌دانی که سر و وضع مرتب داشتن، بر پاکدامنی زنان می‌افزاید؟ آیاتو دوست داری که

وقتی با سر و وضع نامرتب، نزد همسرت می روی، او را نیز مانند خودت ببینی؟» گفتم: نه. فرمود: «اونیزهمینطور» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۶، ص ۱۰۰؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۸۹) از این احادیث استفاده می شود که زن و مرد در خانواده نسبت به هم حقوقی دارند که باید آن ها را رعایت کنند و هرکدام با دیگری باید رابطه ای درست و انسانی داشته باشد، آراستگی و خود آرایبی و پرهیز از شلختگی و ظاهر آراسته داشتن از جمله این حقوق است که اگر به درستی صورت پذیرد موجب تحکیم خانواده ها می شود؛ اما امروزه مردان و برخی زنان که به دلیل مشکلات اقتصادی در خارج از منزل کار می کنند، چنان غرق کار می شوند و در محیط کار با همکاران خود انس می گیرند که وقتی به منزل باز می گردند، نشاط روحی و وقت کافی برای همسر خود ندارند. امام رضا علیه السلام در حدیث دیگری به نقل از پدران خود در رابطه با آراسته نبودن مردان که موجب بی عفتی زنان می شود، می فرماید: «غَسِلُوا ثِيَابَكُمْ، خُذُوا مِنْ شُعُورِكُمْ وَاسْتَاكُوا، وَتَزَيَّنُوا وَتَنْظَفُوا؛ فَإِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ يَكُونُوا يَفْعَلُونَ ذَلِكَ فَزَنَّتْ نِسَاءَهُمْ.» لباس های خود را بشویید. موهایتان را اصلاح کنید، مسواک بزنید، خود را آراسته سازید و نظافت کنید. چرا که بنی اسرائیل این کارها را نمی کردند، در نتیجه زنان شان به زنا دادن افتادند. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰، ص ۳۱۴) بنابراین یکی از عوامل موفقیت و نشاط خانواده ها آراستگی زوجین به ویژه مردان است.

### ۲-۳ حسن رفتار در خانواده

با توجه به نقش بسیار مهم خانواده در نظام آفرینش، اسلام به مسئله خانه و خانواده اهمیت فراوانی می دهد. خانواده کانونی است که هر چه با صفا و گرم تر باشد، زندگی شیرین تر و توفیقات انسان بیشتر خواهد شد. از این رو امام رضا علیه السلام در اشاره به اهمیت این کانون، به بیان برخی از عواملی که در صفا و گرما بخشیدن به کانون خانواده موثر است، می پردازند. آن حضرت در سخنی نورانی، هم به حسن رفتار در خانواده توصیه کرده و هم از نوع رفتار خود با همسرشان خبر داده اند و می فرمایند: «أَحْسَنُ النَّاسِ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ الطُّفُّهُمُ بِأَهْلِهِ وَ أَنَا الطُّفُّكُمْ بِأَهْلِي» نیکوترین مردم از نظر ایمان، خوش خلق ترین و با لطف ترین آنها نسبت به خانواده خویش است و من با لطف ترین هستم نسبت به خانواده ام. (شیخ صدوق، ۱۳۹۳، ش، ج ۲، ص ۳۸) همچنین در حدیث دیگری می فرماید: «أَقْرَبُكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ»؛ نزدیک ترین شما به من در روز قیامت، خوش اخلاق ترین شما و بهترین شما نسبت به اهلش است. (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۹، ص ۳۳۵) خوش رفتاری با خانواده، سخت گیری های بی مورد نکردن، تربیت صحیح فرزندان، تهیه غذای حلال و نیز ایجاد رفاه نسبی و در حد توان، از مصادیق نیکی به خانواده است.

### ۳-۳ بلند نکردن صدا در خانه



در حدیثی که صولی از مادر بزرگ خود نقل می‌کند: آن کنیز که عذر نام داشت خانه ی امام را اینگونه توصیف می‌کند خوب به یاد دارم که در خانه امام رضا علیه‌السلام «...وَلَمْ يَكُنْ أَحَدًا يَقْدِرُ أَنْ يَرْفَعَ صَوْتَهُ فِي دَارِهِ كَأَنَّ مَا كَانَ إِنَّمَا يَتَكَلَّمُ النَّاسُ قَلِيلًا قَلِيلًا» هیچ فردی حتی بزرگان اجازه نداشتند، دادبزنند یا صدایشان را بلند کنند. خود امام نیز همواره با مردم به نرمی و آهستگی و شمرده، سخن می‌گفت. (شیخ صدوق، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۹۵)

### ۳-۴ گشایش روزی برای خانواده

امام رضا علیه‌السلام در ضرورت تأمین رفاه خانواده می‌فرماید: «عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الرِّضَا ع قَالَ قَالَ صَاحِبُ النِّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّوَسُّعَةُ عَلَى عِيَالِهِ» شخص برخوردار از نعمت باید خانواده اش را در رفاه قرار دهد. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۱۱) این روایت به شکل دیگری نیز آمده است. «عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُوسِّعَ عَلَى عِيَالِهِ، كَيْلًا يَتَمَنَّوْا مَوْتَهُ» بسیار سزاوار است انسان، زندگی خانواده خود را توسعه دهد و برای آنان رفاه و راحتی برقرار نماید. تامبادا در اثر کمبود و فشار زندگی، آنان ناچار شوند، مرگ او را از خدا بخواهند. (همان) ایشان بر فراخی منزل تاکید می‌کرد و در جواب کسی که از راحتی دنیا زایشان سوال کرد، فرمود: «سُئِلَ عَنْ فَضْلِ عَيْشِ الدُّنْيَا، قَالَ: سَعَةُ الْمَنْزِلِ وَ كَثْرَةُ الْمُحِبِّينَ» زندگی دنیا و لذت آن در بزرگی منزل و دوستان زیاد است. (عطاردی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۳۷۴؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۱۷۳). همچنین از معمر بن خلّاد نقل است: «عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ قَالَ: إِنَّ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اشْتَرَى دَارًا وَ أَمْرَ مَوْلَى لَهُ يَتَحَوَّلُ إِلَيْهَا- وَ قَالَ إِنَّ مَنَزْلَكَ ضَيِّقٌ- فَقَالَ أَجْزَأَتْ هَذِهِ الدَّارُ لِأَبِي- فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ ع- إِنَّ كَانَ أَبُوكَ أَحْمَقَ يَنْبَغِي أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ» حضرت رضا علیه‌السلام برای یکی از خدمتکاران خود منزلی خرید و فرمود چون منزل شما تنگ است در آنجا ساکن شو! آن مرد گفت پدرم در اینجا زندگی می‌کرد فرمود اگر پدرت احمق بود تو هم باید مانند او باشی (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۳، ص ۱۵۳)

### ۴-رفتار امام رضا علیه‌السلام با امام جواد علیه‌السلام

از بهترین ثمره های ازدواج به بار نشستن فرزندان و نوادگانی است که با پدر و مادر ساختار خانواده را کمال می‌بخشند. فرزند نیکو، یار پدر و مادر در زندگی است. دین اسلام وظایف طرفینی پدران و مادران را به گونه‌ای گسترده باز گفته است که می‌توان گفت وظیفه ی اصلی والدین تربیت و مدیریت و وظیفه ی فرزندان احترام و فرمانبری همراه با نیکویی است پدر از خدا می‌خواهد که فرزندش «قُرَّةُ أَعْيُنٍ» مایه روشنی چشم (فرقان/۷۴) باشد و فرزند باناله به درگاه الهی می‌گوید: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ؛ پروردگارا! بیامرز من و پدر و مادرم را» (ابراهیم، ۴۱) (آزیر، ۱۳۹۰، صص ۱۹ و ۲۰). پس از زن و شوهر، فرزندان رکن سوم خانواده را تشکیل می‌دهند. با ولادت فرزند، روابط جدیدی در درون خانواده شکل می‌گیرد که هدایت و سامان دهی آن‌ها نقش بسیار

مهمی در تحقق اهداف خانواده دارد؛ و برعکس بی توجهی به آن ها خانواده را از رسیدن به اهدافش منع می کند.

#### ۴-۱ علاقه به امام جواد علیه السلام

امام رضا علیه السلام در علاقه ای که به خانواده شان بخصوص در محبتی که به امام جواد علیه السلام داشتندگاهی مورد اعتراض اصحاب واقع می شدند. برای مثال: و روی عبد الرحمن بن محمد عن کثم بن عمران قال «...فلما ولد أبو جعفر علیه السلام كان طول ليلته يناغيه في مهده فلما طال ذلك على عدّة ليال قلت له: جعلت فداك قد ولد للناس أولاد قبل هذا فكلّ هذا تعوذه؟ فقال: ويحك ليس هذا عوذة إنّما اغره بالعلم غراً؛ و كان مولده و منشؤه على صفة مواليد آبائه عليهم السّلام.» وقتی امام جواد متولد شد امام رضا علیه السلام در تمام شب بالای گهواره او با آن حضرت گفتگو میکرد، او را نوازش میفرمود، چون چند شب متوالی این عمل را انجام میداد من عرض کردم: فدایت شوم قبل از این هم برای مردم فرزندان متولد شده آیا همه مردم بچه ها را اینطور عادت میدادند؟! فرمود: وای بر تو این عمل عادت دادن نیست بلکه من فرزندم را وادار به علم و دانش مینمایم. ولادت و نشو و نماي امام محمد تقی علیه السلام هم نظیر پدران بزرگوارش عليهم السّلام بود. (مسعودی، ۱۴۲۶، ص ۲۱۷) امام رضا علیه السلام با توجه به ویژگی های امام جواد (ع) است که می فرماید: «هَذَا الْمَوْلُودُ الَّذِي لَمْ يُؤَلَدْ مَوْلُودٌ أَكْبَرُ عَلَى شِيعَتِنَا بَرَكَةً مِنْهُ» این مولودی است که با برکت تر از او برای شیعیان ما به دنیا نیامده است. (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۵۰، ص ۲۳)

#### ۴-۲ احترام و تکریم شخصیت فرزند

بی شک هرانسانی درهرمقطع سنی، باتوجه به برداشتی که ازارزش و منزلت خویش دارد، برای خود احترام و شخصیت قایل است. رفتار امام با فرزندشان امام جواد علیه السلام آنقدر محبت آمیز و توأم با احترام بود که ایشان را به نام صدا نمی زدند بلکه بیشتر با کنیه مورد خطاب قرار می دادند. به عنوان مثال می فرمودند: «حدثنا أبو الحسن بن محمد بن أبي عباد و كان يكتب للرضا عليه السلام... ما كان عليه السلام يذكر محمدا ابنه إلا بكنيته يقول: كتب الي أبو جعفر عليه السلام و هو صبي بالمدينة، فيخاطبه بالتعظيم و ترد كتب أبي جعفر عليه السلام في نهاية البلاغة و الحسن» محمد بن ابی عباد، کاتب امام رضا علیه السلام می گوید: حضرت رضا علیه السلام همواره از فرزند بزرگوارش محمد با کنیه [که نزد عرب علامت بزرگداشت و احترام است] نام می برد و می فرمود: ابو جعفر به من چنین نوشت و من به ابو جعفر چنین نوشتم. با آنکه امام جواد علیه السلام در مدینه به سر می برد و کودکی

بیش نبود، حضرت رضا علیه‌السلام وی را بسیار احترام می‌کرد و نامه‌هایی که از حضرت جواد به وی می‌رسید، با کمال بلاغت و نیکویی پاسخ می‌داد ... (شیخ صدوق، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۲۶۶؛ قرشی، ۱۳۸۰، ص ۵۱) این گونه احترام گذاشتن، معمولاً در خانواده‌های آن زمان مرسوم نبود اما امام با کمال احترام از فرزندشان یاد می‌کردند. این تکریم وقتی برایم بیشتر نمایان و جذاب شد که دانستم فرزند ایشان، هنوز کودک هستند ولی امام با کمال احترام از او در نامه‌ها یاد می‌کردند. بدین جهت رفتار احترام آمیز والدین نقش مؤثری در تربیت و رشد او دارد.

#### ۴-۳ بهداشت و تغذیه ی کودک

از ویژگیهای دین اسلام تاکید بر پرورش همه ابعاد زندگی انسان است. هر چند در تربیت اسلامی پرورش ابعاد معنوی هدف اصلی و نهایی است؛ اما دستیابی به آن هدف بزرگ در پرتو داشتن جسمی سالم و روانی با نشاط امکان‌پذیر است. در سیره تربیتی امام رضا علیه‌السلام علاوه بر تاکید بر سایر ابعاد، به رعایت بهداشت، تغذیه سالم و نیز عوامل غیر مادی مؤثر در سلامتی مانند صدقه و عقیقه توجه خاص شده است. آن حضرت، در بخشی از مطالبی که برای مامون نوشت، چنین نگاشت: «و العقیقه عن المولود الذکر و الأُنثی یوم السابع و یحلق رأسه یوم السابع و یسمى یوم السابع و یتصدق بوزن شعره ذهباً أو فضةً یوم السابع...». عقیقه کردن برای پسر و دختر، نامگذاری، تراشیدن موهای سر نوزاد در روز هفتم و معادل وزن موها طلا یا نقره صدقه دادن لازم است. علاوه بر اینها، تغذیه سالم و مقوی فرزند مورد توجه حضرت بود (قرشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۷).  
عن یحیی بن موسی الصنعانی قال: دخلت علی أبی الحسن الرضا علیه‌السلام بمنی و أبو جعفر الثانی علیه‌السلام علی فخذہ و هو یقشر له موزا و یطعمه یحیی بن موسی صنعانی گوید: در منی خدمت حضرت رضا علیه‌السلام رسیدم در حالی که ابو جعفر جواد فرزندش را روی زانویش گذاشته و به او موز می‌خورانید. (عطاردی، ۱۴۰۶، ق، ج ۲، ص ۳۴۶)

#### ۴-۴ صحبت با کودک

قدرت درک کودک اندک است و توان فهم معانی کلمات را ندارد. در عین حال سخن گفتن با او نشانه توجه والدین به اوست. کودک این توجه را نوعی اظهار محبت و ابراز عاطفه می‌داند و با تمام ضعف و نقصان، گاه با لبخند و زمانی با حرکات دست و پا به آن پاسخ می‌دهد. علاوه بر این، مشاهده چگونه سخن گفتن والدین، به ویژه حرکات لب، زمینه مساعدی برای آموزش سخن گفتن کودک پدید می‌آورد. «عَنْ كَلِيمِ بْنِ عِمْرَانَ قَالَ: قُلْتُ لِلرَّضَا ع ادْعُ اللّٰهَ اَنْ يَّرْزُقَكَ وُلْدًا فَقَالَ اِنَّمَا اُرْزُقُ وُلْدًا وَّاحِدًا وَ هُوَ يَرِثُنِي فَلَمَّا وُلِدَ اَبُو جَعْفَرِ ع قَالَ الرَّضَا ع لِاصْحَابِهِ قَدْ وُلِدَ لِي شَبِيهٌ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَالِقِ الْبِحَارِ وَ شَبِيهٌ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ قُدَّسَتْ

أُمَّ وَلَدَتْهُ قَدْ خُلِقَتْ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً...». کلیم بن عمران می‌گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: از خدا بخواه به تو فرزندی دهد. حضرت فرمود: من صاحب یک فرزند می‌شوم و او وارثم خواهد شد. هنگامی که امام جواد علیه السلام به دنیا آمد، حضرت رضا علیه السلام به اصحابش فرمود: برای من فرزندی متولد شد که شبیه موسی بن عمران است که دریاها را شکافت و مانند عیسی بن مریم است که مادرش مقدس و پاک و پاکیزه او را به دنیا آورده بود. راوی در ادامه می‌گوید: «...وَ كَانَ طُولُ لَيْلَتِهِ يُنَاغِيهِ فِي مَهْدِهِ» حضرت رضا علیه السلام طول شب را در کنار گهواره پسرش به سر می‌برد و با سخنانی او را خندان و شاد می‌کرد. (قمی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۵۳؛ مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۵۰، ص ۱۵)

#### ۴-۵ محبت

محبت داروی شفابخش دردها، تسکین دهنده قلبهاست و بهترین راه حل مشکلات و نا سازگاریهای تربیتی است. محبت بجا، در هر مکان و زمان و در هر مقطع و سن، وسیله‌ای کارآمد و مؤثر است. همگان، در هر سن و موقعیت، به عاطفه و محبت نیازمندند؛ اما کودکان، نوجوانان و جوانان بیش از دیگران تشنه جام زلال محبتند. رفتار نابجا و ناقصشان را محبت اصلاح می‌کند و ناسازگاری و پرخاشگری نابجایشان را داروی محبت از میان می‌برد. آری، با محبت می‌توان بسیاری از گره‌ها را گشود و راههای ناهموار را هموار کرد. امام رضا (ع) از این شیوه مؤثر تربیتی به شکلهای گوناگون بهره می‌گرفت. گاهی اوج محبت خود را در قالب جمله زیبای «بابی انت و امی» (پدر و مادرم به فدایت) نشان می‌داد و زمانی او را در آغوش می‌گرفت، به سینه خود می‌فشرد و می‌بوسید. امیه بن علی نقل می‌کند: عن أمیة بن علی قال: كنت مع أبي الحسن عليه السلام بمكة في السنة التي قد حجّ فيها، ثم صار إلى خراسان و معه أبو جعفر و أبو الحسن يودع البيت فلما قضى طوافه عدل إلى المقام فصلى عنده، فصار أبو جعفر على عنق موفق يطوف فصار إلى الحجر فجلس فيه فأطال، فقال له موفق: قم جعلت فداك فقال: ما أريد أن أبرح من مكاني هذا إلا أن يشاء الله و استبان في وجهه الغم، فأتى موفق أبا الحسن فقال له: جعلت فداك قد جلس أبو جعفر في الحجر و هو يأبى أن يقوم، فقام أبو الحسن فأتى أبا جعفر فقال له: قم يا حبيبي، فقال: ما أريد أن أبرح من مكاني هذا فقال: بلى يا حبيبي، ثم قال: كيف أقوم و قد ودعت البيت وداعا لا ترجع؟ فقال: قم يا حبيبي فقام معه (اربلی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۱۵۶؛ عاملی، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۴۰۳) در سالی که امام رضا علیه السلام حج به جای آورد و سپس به خراسان رفت، من در مکه همراه امام علیه السلام بودم و امام جواد علیه السلام نیز همراهش بود. امام علیه السلام با خانه کعبه وداع کرد. وقتی طوافش تمام شد، به طرف مقام [ابراهیم] رفت و در آنجا نماز گزارد. جواد علیه السلام که خردسال بود، بر دوش موفق (غلام حضرت) طواف داده می‌شد. جواد علیه السلام به طرف حجر [اسماعیل] رفت، در آنجا نشست و این امر مدتی طول کشید. موفق به او گفت:

جانم به فدایت باد، برخیز. او فرمود: بر نمی‌خیزم تا وقتی که خدا بخواهد و در چهره‌اش غم نمایان شد. موفق خدمت امام رضا علیه‌السلام آمد و گفت: جانم به فدایت باد، جواد علیه‌السلام در حجر نشسته، بر نمی‌خیزد. امام رضا علیه‌السلام به طرف جواد علیه‌السلام آمد و فرمود: برخیز، ای حبیب من. جواد علیه‌السلام فرمود: چگونه برخیزم، در حالی که شما با کعبه چنان وداع می‌کنید که گویا هرگز به سویش باز نمی‌گردید! [برای بار سوم] امام رضا علیه‌السلام فرمود: برخیز، ای حبیب من. جواد علیه‌السلام برخاست. از این حدیث شریف در می‌یابیم که امام رضاعلیه‌السلام مقابل اصرار جواد علیه‌السلام هرگز به او تندی نکرد؛ بلکه با جملات محبت‌آمیزی چون «قم یا حبیبی» و صبر و حوصله فرزند خردسالش را قانع کرد.

#### ۴-۶ تشویق

تشویق در تربیت کودک و نوجوان بسیار مؤثر است. تشویق بجا و مناسب در فرزندان ایجاد انگیزه و شوق می‌کند و آنان را برای انجام کارهای بزرگتر آماده می‌سازد. در واقع تشویق نردبان پیشرفت و موفقیت آنهاست. بدین جهت این شیوه نیز مورد توجه حضرت رضا علیه‌السلام بود. از زکریا بن آدم روایت شده که گفت: من در حضور امام رضا علیه‌السلام بودم، امام محمد تقی را که چهارساله بود نزد آن حضرت آوردند، امام جواد علیه‌السلام نشست و سر خود را بطرف آسمان بلند کرد و غرق دریای فکر شد، امام رضا فرمود: فدای تو شوم از آن وقتی که نشستی تا کنون برای چه فکر میکنی؟ عرض کرد: برای آن ظلم و ستمی که در حق مادرم زهراء شده، بخدا قسم که من آن دو نفر را (یعنی ...) خارج میکنم و میسوزانم و خاکسترشان را در دریا خواهم ریخت. امام رضا علیه‌السلام آن حضرت را در بغل گرفت، بین دو چشم او را بوسید و فرمود: پدر و مادرم فدای تو، تو شایسته مقام امامتی. (مسعودی، ۱۴۲۵، ص ۴۰۹)

#### ۴-۷ نظارت والدین

زندگی صحنه درس و تجربه است. آنانکه بیشتر عمر خود در کسب تجارب صرف کرده‌اند، در رویارویی با دشواریها از توان فزونتر برخوردارند. کودکان و نوجوانان بهره کمتری از تجربه دارند و بدین سبب به نظارت و کمک والدین نیازمندترند. نظارت مستمر و حساب شده بر وضعیت اخلاقی، تحصیلی و رفتاری فرزند یک ضرورت انکارناپذیر در امر تربیت است؛ البته این نظارت باید منطقی و حتی‌الامکان غیر مستقیم و بجا باشد. نکته مهم این است که نظارت به مواقع حضور والدین، به ویژه پدر، در کانون خانواده اختصاص ندارد؛ بلکه حتی وقتی پدر برای مدتی از کانون خانواده فاصله می‌گیرد و حضور فیزیکی ندارد، باید همچنان از وضعیت فرزندانش آگاه باشد و بر کار آنها نظارت کند. سفارشهای پیش از مسافرت و مکاتبه با فرزند در طول سفر، امری ضروری

و کارساز است. حضرت رضا علیه‌السلام که به سبب ستم فرمانروایان ناگزیر مدتی دور از وطن و خانواده به سر برد، به شکلهای گوناگون همچون نامه و پیامهای شفاهی از دور بر وضعیت فرزندش جواد علیه‌السلام نظارت می‌کرد و راهنمایی‌های لازم را به وی ارائه می‌دادند. چنانکه پیش از رفتن به خراسان درباره فرزندانش آنچه شایسته می‌نمود، سفارش کرد. اشاره به دو نمونه از رفتار آن حضرت در این زمینه بسیار سودمند می‌نماید:

الف) قبل از سفر

از جماعتی از اصحاب رجاء [مأموران مأمون برای آوردن حضرت رضا علیه‌السلام به خراسان] نقل شده: حضرت رضا علیه‌السلام فرمود: «هنگامی که خواستم از مدینه به سوی خراسان حرکت کنم، عیال و افراد خانواده‌ام را جمع کردم و به آنها گفتم برایم گریه کنند تا صدای گریه آنها را بشنوم، سپس مبلغ دوازده هزار دینار بین آنها تقسیم نمودم، آنگاه به آنها گفتم که من دیگر هرگز برای دیدار اهل و عیالم، باز نمی‌گردم، سپس دست ابا جعفر [حضرت جواد علیه‌السلام] که در آن هنگام حدود پنج سال داشت] را گرفتم و او را کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله بردم و دستش را بر کنار قبر آن حضرت نهادم و او را به قبر مطهر چسباندم و حفظ او را به برکت رسول خدا صلی الله علیه و آله از خدا خواستم. حضرت جواد علیه‌السلام به من رو کرد و گفت: «پدر جان سوگند به خدا، تو به سوی خدا می‌روی»، به همه وکلا و افراد تحت کفالت خود دستور دادم که از حضرت جواد علیه‌السلام اطاعت نمایند و با او مخالفت نکنند و به آنها فهماندم که حضرت جواد علیه‌السلام جانشین من است». (قمی، ۱۳۸۰ ش، ص ۳۴۹)

ب) بعد از سفر

امام رضا علیه‌السلام از خراسان به فرزندش امام جواد علیه‌السلام این نامه را نوشت که بعد از بسم الله، در آن آمده است: و أرسل الامام الرضا علیه‌السلام من (خراسان) الی ولده الامام الجواد هذه الرسالة و قد جاء فیها بعد البسملة: «فدتک نفسی بلغنی أن الموالی إذا رکبت أخرجوک من باب البستان الصغیر و انما ذاک من بخل بهم لئلا ینال أحد منک خیرا، فاسألک بحقی علیک، لا یکن مدخلک و مخرجک إلا من الباب الکبیر و إذا رکبت ان شاء الله فلیکن معک ذهب و فضة لا یسألک أحد شیئا إلا اعطیته و من سألک من عمومتک أن تبره فلا تعطه أقل من خمسین دینارا و الکثیر إلیک و من سألک من عماتک فلا تعطها أقل من خمسین دینارا و الکثیر إلیک، انی انما أرید أن یوفقک الله، فاتق الله و اعط و لا تخف من ذی العرش اقتارا ...» أ رأیتم هذه النفس الملائکیة

التي طبعت على البر و المعروف و الاحسان الى الناس ... لقد كان الكرم عنصرا من عناصر الامام و مقوما من مقوماته، فقد حث ولده الجواد على صلة أرحامه و البر باليؤساء. لقد حكى هذه الرسالة لونا من الوان التربية الرفيعة لأهل البيت عليهم السلام فقد كانوا يربون ابناءهم على الشرف و الفضيلة و يغرسون في نفوسهم مكارم الاخلاق و محاسن الصفات، ليكونوا أمثلة للخير و قدوة حسنة لهذه الأمة. «فدايت شوم، من شنيدم كه وقتى سوار مى شوى خادمان، تو را از در كوچك باغ بيرون مى برند و اين از روى بخل است كه از تو به كسى خيرى نرسد، پس تو را به حق خودم بر تو سوگند مى دهم كه مدخل و مخرجت جز از در بزرگ نباشد؛ و وقتى ان شاء الله سوار شدى بايد با خودت طلا و نقره بردارى و كسى از تو چيزى را طلب نكند مگر اينكه بايد به او بدهى. اگر كسى از عموهايت سؤال كرد كمتر از پنجاه دينار به او نده و زيادتر از آن با تو است و اگر از عمههايت از تو سؤال كرد كمتر از پنجاه دينار به او نده و زيادتر از آن با تو است، من مى خواهم كه خدا تو را موفق كند. از خدا بترس و عطا كن و از تنگدستى جز از خداى صاحب عرش نترس.» (قرشى، ۱۳۸۰، ج ۲، ص: ۳۴۴)

#### ۴-۸ پرورش بعد عقلانى

تربيت بايد همه جانبه باشد. پرورش بعد عقلانى و شكوفا ساختن استعداد منطق و استدلال در فرزند يكي از مهم ترين ابعاد تربيت است. منطقي بار آوردن فرزند سبب مى شود درست بينديشد، منطقي تصميم بگيرد، منطقي رفتار كند و در صورت لزوم، بى هيچ هراسى از ديدهاها و رفتارهاى خود دفاع كند. سيره تربيتى حضرت رضا عليه السلام اين منظر نيز الكويى كامل براى همه رهروان آن حضرت است. بنان بن نافع نقل مى كند: «اجتازَ المأمونُ بابنِ الرِّضَاعِ وَ هُوَ بَيْنَ صَبِيَّانِ فَهَرَبُوا سِوَاهُ فَقَالَ عَلِيٌّ بِهِ فَقَالَ لَهُ مَا لَكَ لَا هَرَبْتَ فِي جُمْلَةِ الصَّبِيَّانِ قَالَ مَا لِي ذَنْبٌ فَأَفِرُّ مِنْهُ وَ لَا الطَّرِيقُ ضَيِّقٌ فَأَوْسَعَهُ عَلَيْكَ سِرٌّ حَيْثُ شِئْتَ فَقَالَ مَنْ تَكُونُ أَنْتَ قَالَ أَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع» روزى مأمون از راهى عبور مى كند برخورد بحضرت جواد عليه السلام كه در بين بچه ها بود همه فرار كردند جز آن جناب مأمون گفت او را بياوريد. پرسيد چرا تو از ميان تمام بچه ها فرار نكردى. فرمود گناهی نكرده بودم كه فرار كنم. نه راه تنگ بود كه برايت وسيع كنم از هر طرف مايلى برو. پرسيد تو كه هستى؟ فرمود من محمد بن علي بن موسی بن جعفر بن محمد بن علي بن حسين بن علي بن ابی طالب عليهم السلام هستم. (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۵۰، ص ۵۶)





## نتیجه‌گیری

هر انسانی برای رسیدن به کمال نیازمند تشکیل خانواده است. خانواده نخستین محیطی است که انسان تحت تأثیر فضا و روابط آن قرار دارد. آراستگی و زیبایی ظاهری، بلند نکردن صدا در خانه، حسن رفتار در خانواده از نمونه‌های رفتاری امام رضا علیه‌السلام با همسرشان و نیز علاقه و محبت به امام جواد علیه‌السلام، احترام و تکریم شخصیت ایشان، تشویق، پرورش بعد عقلانی و نیز نظارت ایشان قبل و بعد از هجرت به خراسان از جمله نمونه‌های رفتاری و برخورد ایشان با فرزند بزرگوارشان امام جواد علیه‌السلام است. رفتار امام رضا علیه‌السلام با خانواده‌شان یکی از بهترین نمونه‌های خانواده موفق است. خانواده موفق خانواده‌ای است که بر اساس معیارهای اسلامی تشکیل شده باشد، بین اعضای خانواده مودت و رحمت برقرار باشد و اعضای خانواده در نهایت آرامش و آسایش در کنار هم زندگی می‌کنند و استعداد هر یک از اعضای خانواده به فعلیت می‌رسد.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم

۱. آژیر، حمیدرضا، (۱۳۹۰ ش)، خانواده در پرتو قرآن و سنت، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۳ ش)، ترجمه: محمد رحمتی شهرضا، عیون اخبار الرضا علیه السلام، قم، پیام علمدار، چاپ هشتم.
۳. اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح، (۱۴۲۱ ق)، کشف الغمه فی معرفه الائمه، قم، رضی، چاپ اول.
۴. حرعاملی، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین، (۱۴۲۵ ق)، اثبات الهدات بالنصوص و المعجزات، بیروت، اعلمی، چاپ اول.
۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ ش)، لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول.
۶. زارعی سبزواری، عباسعلی، (۱۳۸۸ ش)، سیره‌ی علمی و عملی امام رضا علیه السلام، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۷. سالاری فر، محمدرضا، (۱۳۹۲ ش)، خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ هشتم.
۸. طاهری، حبیب الله، (۱۳۸۸ ش)، سیری در مسائل خانواده، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۷ ق)، ترجمه: عزیزالله عطاردی، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم، آل البیت، چاپ اول.
۱۰. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۲ ق)، مکارم الاخلاق، قم، شریف رضی.
۱۱. طبیبیان، سید حمید، (۱۳۹۰ ش)، فرهنگ فروزان (فارسی-عربی)، تهران، شمشاد.
۱۲. عطاردی، عزیزالله، (۱۴۰۶ ق) مسندالامام الرضا ابی الحسن علی بن موسی علیه السلام، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۱۳. علی بن موسی علیه السلام، امام هشتم، (۱۴۰۶ ق)، صحیفه الامام الرضا علیه السلام، مشهد، کنگره ی جهانی حضرت رضا علیه السلام، چاپ اول.
۱۴. قرشی، باقرشریف، (۱۳۸۰ ش)، حیاة الامام رضا علیه السلام، قم، سعیدبن جبیر، دوم.
۱۵. قمی، عباس، (۱۳۸۰ ش)، انوارالبهیة، ترجمه: محمدمحمدی اشتهااردی، قم، ناصر، چاپ سوم.

۱۶. — (۱۳۷۹ ش)، منتهی الآمال فی تواریخ النبی ولآل، قم، دلیل ما، چاپ اول.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۳ ش) بحارالانوارالجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار، تهران، اسلامیه، چاپ دوم.
۱۸. کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۳۶۲ ش)، الکافی، تهران، اسلامیه، چاپ دوم.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۷ ش)، تحکیم خانواده، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، چاپ دوم.
۲۰. مسعودی، علی بن حسین، (۱۴۲۶ ق)، اثبات الوصیة للامام علی بن ابیطالب، قم، چاپ سوم.